

تأثیر الگوی شناخت هزینه‌های شرکت بر اساس رعایت اصل تطابق بر ریسک سقوط قیمت سهام

*مینا حیدری رامشه¹، علی روحی²

¹ کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

² استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مینا حیدری رامشه

چکیده:

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر الگوی شناخت هزینه‌های شرکت بر اساس رعایت اصل تطابق بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می‌باشد که در این راستا ریسک سقوط قیمت سهام به عنوان متغیر وابسته و میزان رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه به عنوان متغیر مستقل می‌باشند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۱۲ شرکت که با روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری به دست آمده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی با رویکرد کاربردی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسنادکاوای صورتهای مالی می‌باشد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش همبستگی و رگرسیون چندگانه است. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد میزان رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معکوس و معناداری دارد و این بدان معناست که هر چه هزینه‌ها بدون در نظر گرفتن زمان پرداخت در دوره‌ای که به وقوع پیوسته، ثبت شود؛ اتخاذ چنین رویه‌ای باعث می‌شود تا هزینه‌های یک دوره از درآمدهای همان دوره کسر شده و بنابراین محاسبه سود یک دوره مالی به صورت منطقی تری صورت پذیرد؛ ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد.

کلمات کلیدی: اصل تطابق؛ ریسک قیمت سهام؛ الگوی شناخت هزینه.

۱. مقدمه

این پژوهش بررسی می‌کند که آیا الگوهای تشخیص هزینه بر ریسک سقوط قیمت سهام در آینده تأثیر می‌گذارد یا خیر. هسته اصلی اطلاعات مالی شرکت را صورت‌های مالی تشکیل می‌دهند. در بین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، رقم سود خالص برای سرمایه‌گذاران بسیار حائز اهمیت بوده و اغلب این چنین استدلال می‌شود که سود با اهمیت‌ترین معیار اندازه‌گیری عملکرد شرکت است که در بازارهای مالی در دسترس و به وسیله اصل تطابق تحت تأثیر قرار گرفته است. این اصل یک مفهوم مهم در استانداردهای گزارشگری مالی در چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، بین الملل و استانداردهای حسابداری ایران است و بر معیار عملکرد که سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی های خود در مورد حاشیه رشد آتی، جریان های نقد آتی و سود بکار می‌گیرند، اثرگذار است (ژو، ۲۰۱۶).

بسیاری از مطالعات، توضیح برجسته‌ای برای ریسک سقوط سهام شرکت پیشنهاد کرده‌اند؛ مدیران انگیزه دارند تا از انتشار اخبار بد برای سرمایه‌گذاران جلوگیری کنند. زمانی که این اخبار به سطح مشخصی از تجمع رسیده به یکباره در بازار منتشر می‌شود و ریسک سقوط قیمت سهام رخ می‌دهد. تعریف سقوط قیمت سهام دارای سه ویژگی مشخص است: ۱. سقوط قیمت سهام، یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ می‌دهد؛ ۲. این تغییرات بسیار بزرگ به صورت منفی هستند؛ ۳. سقوط قیمت سهام، یک پدیده واگیردار در سطح بازار است. بدین معنی که کاهش قیمت سهام تنها به یک سهام خاص منحصر نمی‌شود، بلکه تمام انواع سهام موجود در بازار را شامل می‌شود (پیک، ۲۰۱۹).

این پژوهش به بررسی تأثیر رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. امید است نتایج این پژوهش بتواند در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها مؤثر باشد.

۲. بیان مسأله

صورت‌های مالی و اطلاعات مندرج در آن، یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که می‌تواند به سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیمات سودمند اقتصادی یاری رساند. اطلاعات صورت‌های مالی زمانی سودمند تلقی می‌شوند که انتظارات سرمایه‌گذاران را در ارتباط با ارزش سهام تأیید کنند و یا آنها را تغییر دهند. با این حال بسیاری از پژوهشگران استدلال نموده‌اند که صورت‌های مالی تاریخی و به ویژه صورت سود و زیان، اطلاعات سودمندی در مورد تطابق درآمدها و هزینه‌ها و سود برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌سازد. تطابق به این مفهوم اشاره دارد که هزینه‌ها در ارتباط خود با درآمدها بر اساس یک مبنای منصفانه و متوازن شناسایی می‌شوند. در سیستم فعلی که غالباً بر مبنای بهایایی تاریخی قرار دارد، تطابق نشان دهنده اولویت اندازه‌گیری و گزارشگری سود نسبت به ارزشیابی داراییها و بدهیها است و نیز یکی از اهداف مهم به کارگیری اصل تطابق، شناسایی صریح سود و اندازه‌گیری واقعیت‌های اقتصادی است (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶).

تطابق به دو صورت قوی یا ضعیف صورت می‌گیرد که تطابق قوی باعث افزایش سودآوری اقتصادی و تطابق ضعیف باعث کاهش سودآوری اقتصادی و نیز افزایش عدم اطمینان و سوگیری‌های رفتاری شده و در نتیجه باعث ایجاد اشتباهاتی در پیش‌بینی سرمایه‌گذاران خواهد شد. تطابق قوی حالتی است که همه هزینه‌ها با درآمدهای مرتبط با آنها تطابق داده می‌شوند. به عبارتی در این حالت، همه هزینه‌ها به طور مستقیم قابل ردیابی با درآمدهای خاص خود می‌باشند، ولی در تطابق ضعیف، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها کاهش یافته و این امر باعث افزایش نوسان سود و بازده و کاهش پایداری سود می‌شود (کالن و فانگ، ۲۰۱۷).

مدیران تمایل دارند برای جلوگیری از کاهش قیمت سهام، اخبار بد خاص شرکت را پنهان کنند، اما می‌توانند آن را فقط به طور موقت پنهان کنند. انتشار اخبار بد به یکباره می‌تواند منجر به بازده منفی سهام یا سقوط قیمت سهام شود. پنهان کردن اخبار بد باعث می‌شود گزارشگری مالی بنگاه‌ها مبهم شود. در این مطالعه، استدلال می‌شود که به رسمیت شناختن هزینه‌های غیر جاری، شفافیت گزارشگری مالی و بنابراین خطر سقوط قیمت سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحت نظریه رعایت اصل تطابق ناقص؛ برخی از هزینه‌های متعلق به یک دوره همیشه در همان دوره هزینه نمی‌شود. این وضعیت احتمالاً بر اثر قرار دادن مدیران یا خبرهای ناخوشایند خاص شرکت‌ها ایجاد می‌شود، بنابراین بر خطر سقوط قیمت سهام تأثیر می‌گذارد (کیم و همکاران، ۲۰۱۷).

با توجه به هدف اصلی گزارشگری مالی یعنی سودمندی اطلاعات در پیش‌بینی سود، سؤال می‌شود که آیا اعمال درجات متفاوتی از اصل تطابق درآمدها و هزینه‌ها، می‌تواند بر ریسک سقوط قیمت سهام آنان مؤثر باشد. اگرچه پژوهش‌های اندکی در زمینه رعایت اصل تطابق صورت گرفته است،

ولی تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی اثر رعایت اصل تطابق (الگوی تشخیص هزینه) بر ریسک سقوط قیمت سهام صورت نگرفته است، لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی الگوی تشخیص هزینه های شرکت براساس رعایت اصل تطابق بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. بنابراین برای رسیدن به اهداف پژوهش باید درصدد پاسخگویی به این سوال باشیم که الگوی تشخیص هزینه های شرکت براساس رعایت اصل تطابق بر ریسک سقوط قیمت سهام چه تاثیری بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای دارد؟

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

مسأله قابل توجه در این بین آن است که براساس پژوهشات حسابداری همواره مدیران واحدهای تجاری قادر خواهند بود در انجام سیاست " تأخیر درانتشار اخبار بد و انباشته ساختن آن به صورت اطلاعات محرمانه "حجم معینی از اخبار بد را درشرکت انباشته سازند، که این به دلیل عواملی نظیر پرهزینه بودن این سیاست و یا به طور کلی عدم توانایی مدیریت برای ادامه این اقدام (نظیرتغییر مدیریت واحد تجاری) می باشد. در نهایت با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به آن مقدار نهایی، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه گذاران جلوگیری نمایند. با انتشار این اخبار در بازار، سرمایه گذاران با اطلاعات جدید بدست آمده در باورهای پیشین خود که مبنای قیمت جاری سهام شرکت بوده تجدیدنظر کرده و انتظار خود را بر اساس اطلاعات جدید بنیان می گذارند، که این امر موجب تعدیل یکباره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد، که در ادبیات مالی از آن به عنوان ریزش قیمت سهام یا سقوط قیمت سهام یاد می شود (پیک، ۲۰۱۹).

از اهم دلیل و انگیزه پژوهش در خصوص اصل تطابق می توان به موارد زیر اشاره نمود (دارابی و همکاران، ۱۳۹۵):

الف- وجود تغییراتی در اقتصاد به ویژه در هزینه های ثابت و پژوهش و توسعه، بر کاهش موقتی در بکارگیری اصل تطابق اشاره دارد که این امر به طور متقابل بر سود اثر می گذارد. ب- کم رنگ شدن بکارگیری اصل تطابق به دلیل فاصله گرفتن استانداردهای حسابداری از این اصل به عنوان یک مفهوم بنیادی و حرکت به سمت رویکرد ترازنامه ای. ج- سود مهمترین خروجی حسابداری است و تطابق هزینه ها و درآمدها اثر مهم بر تعیین و محاسبه آن دارد و نیز اصل تطابق به طور بالقوه باعث افزایش درک خصوصیات سود برای سرمایه گذاران می شود.

از طرفی، نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روشی معتبر و به موقع است که یکی از اهداف عمده آن فراهم ساختن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توان سودآوری بنگاه اقتصادی است. شرط لازم برای دستیابی به این هدف، ارائه اطلاعات مالی به نحوی است که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش بینی فعالیت های آتی بنگاه اقتصادی مؤثر واقع گردد. در این میان وضعیت مالی شرکتهای، ازجمله ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای بورسی از یک طرف و افزایش شمار تقلب در گزارشگری مالی از طرف دیگر، موجب بروز نگرانیهای درباره کیفیت گزارشگری مالی و خدشه دار شدن اعتبار حسابداری شده است (فضل الهی دهکردی و احمدی، ۱۳۹۷).

دیچو و تانگ (۲۰۰۸) بیان کردند که تطابق ضعیف می تواند ناشی از ضعیف بودن قابلیت پیش بینی هزینه ها و نیز در دسترس نبودن سایر اطلاعات از قبیل تصمیمات مدیریت، قوانین حسابداری و موارد دیگر باشد. بنابراین توجه به اصل تطابق، فراهم کننده نشانه هایی ارزشمند برای سود حسابداری است. همچنین تطابق تحت تأثیر مفاهیم بنیادی تجاری و سیستم حسابداری قرار می گیرد که این مفاهیم بنیادی باعث ایجاد مسائلی در سیستم حسابداری برای تطابق هزینه ها با درآمدها می شود. این مفاهیم عبارت اند از: طول چرخه عملیات، چرخه عمر شرکت، ساختار صنعت، توان سرمایه گذاری، هزینه های ثابت و غیره. به منظور ایجاد تطابق قوی، باید هزینه ها با درآمدهای مربوط همبستگی بالایی داشته باشند تا توان سرمایه گذاران را برای پیش بینی بهتر هزینه های مورد انتظار و نیز پیش بینی سود آتی افزایش دهد (بادآور نهندي و همکاران، ۱۳۹۵).

از دلایل بررسی اصل تطابق، اهمیت دادن به هزینه ها و درآمدها و روابط بین آنها برای استفاده کنندگان و سرمایه گذاران است. با توجه به موارد مطرح شده و اهمیت رعایت اصل تطابق و ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای انجام پژوهش حاضر در بورس تهران ضرورت دارد و می تواند پیشنهادات کاربردی سازنده ای به مدیران مالی شرکتهای، سرمایه گذاران، سهامداران و بورس اوراق بهادار تهران در بر داشته باشد.

الف: پیشینه داخلی

دستگیر و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر محدودیت تأمین مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن اثر اقلام تعهدی برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ پرداخته

روش گردآوری داده‌ها، روش اسناد کاوی و مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی و روش تحلیل داده‌ها از نوع استنباطی است؛ نرم‌افزار به کار رفته برای آماده‌سازی داده‌ها و تخمین مدل‌ها، استتا و ایوبوز است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگو داده‌های ترکیبی استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که محدودیت تأمین مالی موجب افزایش احتمال ریزش قیمت سهام می‌گردد. همچنین تأثیر مثبت بین محدودیت تأمین مالی و احتمال خطر سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن اثر اقلام تعهدی تشدید می‌گردد و شرکت‌هایی که با محدودیت تأمین مالی مواجه هستند احتمال انباشت و مخفی‌سازی اخبار بد توسط مدیران برای دستیابی به منابع مالی افزایش می‌یابد همچنین مدیران از طریق اقلام تعهدی اقدام به مدیریت سود و مخفی نمودن اخبار بد می‌نمایند.

اسدی و کاظمی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نقش عدم تقارن اطلاعاتی و جریان‌های نقد آزاد در رابطه بین سیاست تقسیم سود و ریسک سقوط قیمت سهام نیز بررسی شده است. جامعه آماری این پژوهش همه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. نمونه آماری شامل ۶۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل آماری رگرسیون چندگانه تعدیل‌شده استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین سیاست تقسیم سود و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ همچنین متغیر جریان‌های نقد آزاد، نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه بین سیاست تقسیم سود و ریسک سقوط قیمت سهام دارد. علاوه بر این، متغیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیری ندارد.

فندرسکی و صفری (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین اثربخشی کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها پرداخته‌اند. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب گردید و فرضیه پژوهش با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اثربخشی کنترل داخلی، موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها می‌شود. یافته‌های تحقیق ضمن پر کردن خلاء تحقیقاتی صورت گرفته در این حوزه، می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان مقررات بازار حسابرسی در امر تصمیم‌گیری مفید باشد.

فضل الهی و احمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۰۰ شرکت عضو سازمان بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۵ مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های تابلویی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد با افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، رقابت بازار محصول کاهش می‌یابد. وجود چنین رابطه‌ای می‌تواند در عدم تقارن اطلاعاتی و نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی مطرح کرد که انتشار یکباره اطلاعات منفی به بازار و افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، باعث می‌شود که تحلیل‌گران مالی در پیش‌بینی‌های خود درباره عملکرد شرکت تجدید نظر کرده و کیفیت شرکت‌ها را پایین ارزیابی کنند و از این طریق شرکت مزیت رقابتی در بازار را از دست بدهد.

کاظمی و طریقی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه تطابق درآمد و هزینه با نوسان پذیری و پایداری سود پرداخته‌اند. آنان بین کردند تئوری موجود در حوزه تحقیق حاضر، تطابق ضعیف هزینه با درآمد را به عنوان اختلال در رابطه اقتصادی بین درآمد و هزینه معرفی کرده است. در نتیجه، تطابق ضعیف موجب افزایش نوسان پذیری سود و کاهش پایداری سود می‌شود. آزمون به عمل آمده درباره ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۱۳۱ الی ۱۱۳۱ نتایجی سازگار با تئوری موجود را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که اختلال در رابطه اقتصادی درآمد و هزینه (تطابق ضعیف) و نوسان پذیری سود در سال‌های مورد مطالعه، کاهش یافته و پایداری سود افزایش داشته است.

بادآور نهدی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی مقایسه اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در بین شرکتهای سالم، درمانده و ورشکسته مالی طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش حاکی از رابطه مستقیم و معنادار رعایت اصل تطابق با دقت اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی جریان‌های نقد آینده و همچنین ارتباط معکوس و معنادار با متغیر محتوای عایدات حسابداری به صورت کلی است.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر برخی ویژگی‌های شرکت چون بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، اهرم مالی شرکت، ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره مالی ۷ ساله (از سال مالی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲) پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام از مدل هاتن و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شده است. نتایج تحقیق گویای این مطلب است که متغیرهای بازده دارایی، اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری داشته باشد. اما دو متغیر بازده حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی رابطه معناداری را با ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری نداشته باشد.

فروغی و میرزایی (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخته‌اند. به منظور دستیابی به این هدف، دو فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی تدوین شده و جهت آزمون این فرضیه‌ها، نمونه‌ای از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که بین محافظه‌کاری شرطی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، رابطه معکوس وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که در شرایطی که بین مدیران و سرمایه‌گذاران عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، توانایی محافظه‌کاری شرطی جهت کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است.

کرمی و قربان زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر رعایت اصل تطابق بر عدم اطمینان محیطی پرداخته‌اند. آنان بیان کردند اصل تطابق می‌تواند، عدم اطمینان نسبت به اطلاعات حسابداری واحد تجاری را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها به عنوان معیاری برای اصل تطابق در نظر گرفته شده است و عدم اطمینان اطلاعاتی با معیارهای نوسان بازده هر سهم و خطای پیش بینی سود هر سهم اندازه‌گیری می‌شود. برطبق مبانی نظری فرض بر این است که تطابق قوی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. به همین منظور، با مطالعه دقیق ادبیات، دو فرضیه طراحی و نمونه آماری شامل ۷۸ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۵ ساله، ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ انتخاب شده است و مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، هر چه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها بیشتر باشد، نوسان بازده و خطای پیش بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود. بنابراین، دو فرضیه این پژوهش تایید می‌شوند. تطابق قوی بین درآمدها و هزینه‌ها، منجر به کاهش در عدم اطمینان نسبت به اطلاعات حسابداری شده و همچنین موجب اصلاح و بهبود در پیش بینی و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری می‌شود.

ب: پیشینه خارجی

پیک (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر الگوی تشخیص هزینه‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداخته است. این تحقیق بر روی ۷۲۰ شرکت از بورس نیویورک انجام طی دوره زمانی ۱۳ ساله ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ انجام شده است. روش آماری تحقیق از طریق آزمون همبستگی و رگرسیون چندگانه می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که خطر سقوط قیمت سهام با تأخیر در تشخیص هزینه افزایش می‌یابد و با تسریع در تشخیص هزینه کاهش می‌یابد. این نتیجه نشان می‌دهد که الگوهای شناخت هزینه، نقش مهمی در آشکار کردن مدیران در پنهان کردن اخبار بد بازی می‌کنند.

دیفوند و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در بورس بخارست پرداخته‌اند. برای این منظور نمونه‌ای متشکل از ۶۳۲ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شد. ابتدا برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از روش تحلیلی عاملی مولفه‌های روش پرسش نامه AHP به همراه آنتروپی شانون پرداخته شده است و در مرحله بعد با استفاده از روش پیش‌رو، معناداری و جهت رابطه بین متغیرها مدل بهینه‌اریه شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین یافته‌های پژوهش بیانگر رابطه منفی و معناداری بین قدرت مدیرعامل و سقوط قیمت سهام می‌باشد.

کالن و فانگ (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر استراتژی‌های تجاری بر ریسک سقوط قیمت سهام در بورس مادرید پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام نیز از دو معیار استفاده شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، گزارشات مالی ۸۳۲ شرکت نمونه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای آزمون فرضیات در مدل اول از روش رگرسیون لجستیک و در مدل دوم از روش پنل پویا استفاده گردیده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که استراتژی‌های تجاری تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. علاوه بر این، طبق نتایج به دست آمده، تأثیر متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها، بر ریسک سقوط قیمت سهام، مثبت و معنادار می‌باشد.

کیم و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تاثیر اصل تطابق بر عدم اطمینان اطلاعاتی پرداخته‌اند. بر این اساس، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها به عنوان معیاری برای اصل تطابق در نظر گرفته شده است و عدم اطمینان اطلاعاتی با معیارهای نوسان بازده هر سهم و خطای پیش بینی سود هر سهم اندازه گیری می‌شود. برطبق مبانی نظری فرض بر این است که تطابق قوی، عدم اطمینان اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. به همین منظور، با مطالعه دقیق ادبیات، دو فرضیه طراحی و نمونه آماری شامل ۷۸۰ شرکت از بورس پکن برای یک دوره ۵ ساله، ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ انتخاب شده است و مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، هر چه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها بیشتر باشد، نوسان بازده و خطای پیش بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود. بنابراین، دو فرضیه این پژوهش تایید می‌شوند. تطابق قوی بین درآمدها و هزینه‌ها، منجر به کاهش در عدم اطمینان نسبت به اطلاعات حسابداری شده و همچنین موجب اصلاح و بهبود در پیش بینی و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری می‌شود.

لم و لمان (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخته‌اند. به منظور دستیابی به هدف فوق، سه فرضیه تدوین شده است. جامعه آماری از بین نمونه‌ای از شرکت‌های بورسی بخارست طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ انتخاب و به منظور آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون لجستیک و مدل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، رابطه مستقیم وجود دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با افزایش میزان عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام افزایش می‌یابد.

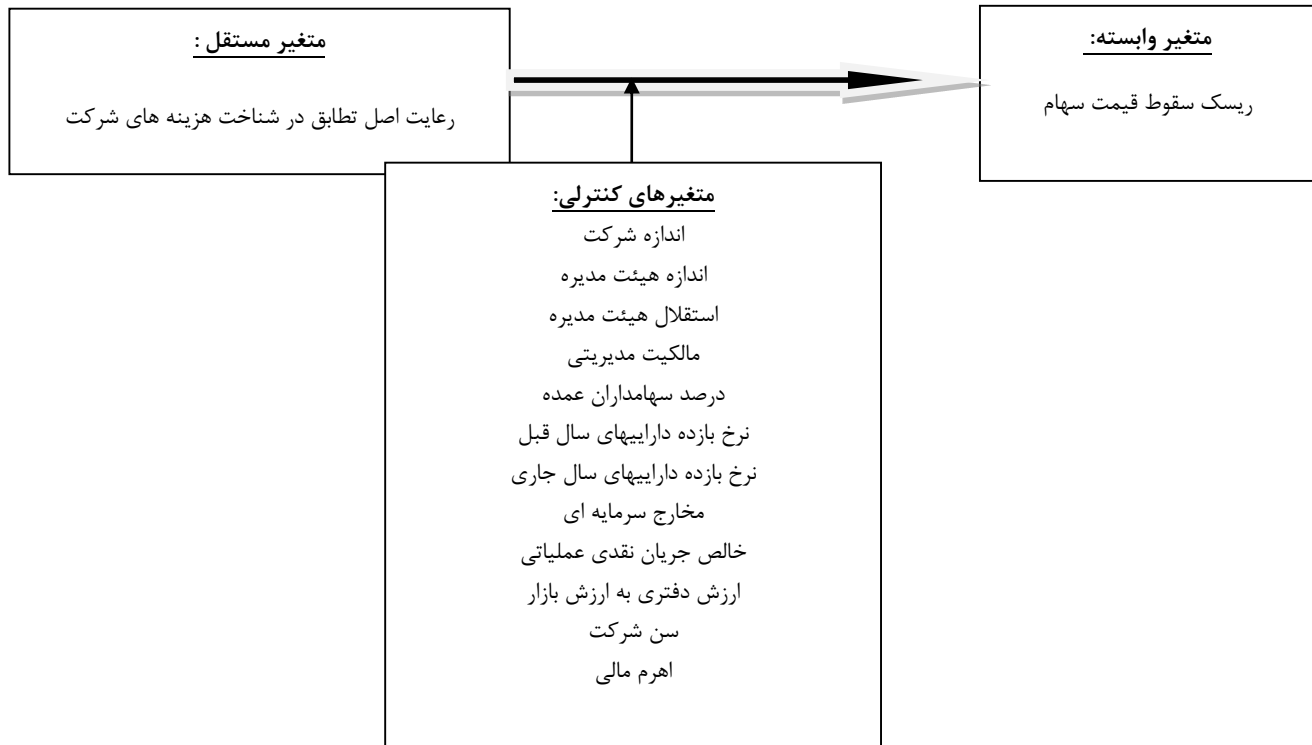
ریکاردو و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام در بورس نیویورک پرداخته‌اند. دوره زمانی تحقیق شامل ۸ سال متوالی از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ و نمونه آماری تحقیق شامل ۹۰۰ شرکت می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین وجود و یا عدم وجود رویداد سقوط سهام در طول دوره تحقیق با سطح محافظه‌کاری حسابداری، یک رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، یافته‌ها حاکی از تاثیر مثبت محافظه‌کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام است. همچنین نتایج حاکی از آن است که رابطه بین محافظه‌کاری با وجود یا عدم وجود رویداد سقوط قیمت سهام در شرکت‌های دارای سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالا، به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعاتی، نتوانسته است تاثیر محافظه‌کاری در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش دهد.

چن و هو (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر کاهش احتمال ریزش (سقوط) قیمت سهام در بورس پکن پرداخته‌اند. در این پژوهش از مدل محاسبه تعداد دفعات ریزش قیمت سهام هاتن (۲۰۰۹) به منظور اندازه‌گیری ریزش قیمت سهام برای ۶۵۰ شرکت از در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وجود سرمایه‌گذاران نهادی احتمال رخ دادن سقوط قیمت سهام را به صورتی معنادار کاهش می‌دهد.

دیویدسون و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تاثیر سود پرداختی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام و همچنین بررسی شدت اثر جریان نقد آزاد و عدم تقارن اطلاعاتی بر میزان اثرگذاری مذکور پرداخته‌اند. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۸۳۰ شرکت از بورس سئول طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ انتخاب گردید. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون چندگانه و داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سود پرداختی، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهد که جریان نقد آزاد و عدم تقارن اطلاعاتی باعث شدت اثرگذاری سود سهام پرداختی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌گردد.

5. فرضیه پژوهش

رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.



مدل مفهومی پژوهش (پیک، ۲۰۱۹)

مدل رگرسیونی آزمون فرضیات نیز بصورت زیر می باشد:

$$CRASH_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 EXP_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 B - SIZE_{i,t} + \beta_5 Ind.dir + \beta_6 MO_{i,t} + \beta_7 LSH_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} - 1 + \beta_{10} CAPX_{i,t} + \beta_{11} CF_{i,t} + \beta_{12} MB_{i,t} + \beta_{13} AGE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

= CRASH = ریسک سقوط قیمت سهام شرکت، EXP = میزان رعایت اصل تطابق در برآورد هزینه، size = اندازه شرکت، Lev = اهرم مالی، CF = جریان نقدی عملیاتی، Ind.dir = استقلال هیئت مدیره، MO = مالکیت مدیریتی، LSH = درصد سهامداران عمده (۵ سهامدار اصلی)، ROAt = نرخ بازده داراییهای سال جاری، ROAt-1 = نرخ بازده داراییهای سال قبل، Age = سن شرکت، MB = ارزش بازار به ارزش دفتری، capx = مخارج سرمایه ای

5.1- جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که تعداد ۶۱۲ شرکت می باشند.

5.2- تعیین حجم نمونه و نمونه گیری

در پژوهش حاضر از روش نمونه برداری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده گردیده است که از جامعه آماری مورد نظر، شرکت های نمونه با توجه به شرایط و محدودیت های زیر انتخاب گردیده است:

۱. برای انتخاب نمونه همگن، شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس تهران پذیرفته شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۹۳ سهام آنها در بورس مورد معامله قرار گرفته باشد که تعداد ۱۷۷ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.
۲. به منظور انتخاب شرکت‌های فعال، معاملات این شرکت‌ها در طول سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ در بورس بیش از چهار ماه دچار وقفه نشده باشد که تعداد ۱۳۲ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.
۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به اسفند باشد که تعداد ۸۷ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.
۴. بین سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند که تعداد ۷۷ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.
۵. جزو صنایع سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک و لیزینگ نباشد که تعداد ۲۷ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.

جدول ۱: تعیین حجم نمونه آماری

ردیف	شرایط	تعداد حذف از نمونه	باقیمانده
۱	برای انتخاب نمونه همگن، شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس تهران پذیرفته شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۹۳ سهام آنها در بورس مورد معامله قرار گرفته باشد.	۱۷۷	۴۳۵
۲	به منظور انتخاب شرکت‌های فعال، معاملات این شرکت‌ها در طول سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ در بورس بیش از چهار ماه دچار وقفه نشده باشد که تعداد ۱۲۸ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.	۱۳۲	۳۰۳
۳	به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به اسفند باشد.	۸۷	۲۱۶
۴	بین سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.	۷۷	۱۳۹
۵	جزو صنایع سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک و لیزینگ نباشد.	۲۷	۱۱۲

با اعمال شرایط فوق، تعداد ۱۱۲ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، انتخاب شدند.

۶. روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی- علی محسوب می‌شود. توصیفی از آن جهت که یافته‌ها به همان صورت که جمع‌آوری شده‌اند، بدون هیچگونه دستکاری توصیف می‌گردند و روابط بین متغیرها بررسی شده و رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی بر مبنای هدف، کاربردی بوده، چراکه می‌تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد.

6.1- روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد و با مراجعه به کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها اطلاعات لازم برای این بخش جمع‌آوری می‌شود و برای جمع‌آوری اطلاعات مالی از اطلاعات و ارقام موجود در بورس اوراق بهادار تهران استفاده خواهد شد. به همین جهت اطلاعات مورد نیاز، از گزارشهای مالی منتشر شده از سوی شرکتها، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و همچنین از نرم‌افزار بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استخراج می‌شود.

7. تعریف متغیرهای تحقیق

در این پژوهش؛ رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت به عنوان متغیر مستقل و ریسک سقوط قیمت سهام به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. متغیرهای متغیرهای اندازه شرکت، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، مالکیت مدیریتی، درصد سهامداران عمده ۵ سهامدار اصلی، نرخ بازده داراییهای سال قبل، نرخ بازده داراییهای سال جاری، مخارج سرمایه‌ای، خالص جریان نقدی عملیاتی، ارزش دفتری به ارزش بازار، سن شرکت و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترل می‌باشد.

الف) متغیر مستقل: رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت

تعریف مفهومی: اصل تطابق هزینه با درآمد یا به اختصار اصل تطابق یکی از اصول حسابداری تعهدی است که بیان می‌کند هزینه‌ها باید بدون در نظر گرفتن زمان پرداخت در دوره‌ای که به وقوع پیوسته، ثبت شود بر خلاف حسابداری نقدی که در آن هزینه در زمان پرداخت آن ثبت می‌شود. چنانچه نتوان رابطه‌ای بین بهای تمام شده کالاهای مصرف شده و درآمد واحد تجاری یافت، چنین هزینه‌هایی را در همان دوره‌ای که مصرف شده‌اند، ثبت می‌شود. به این ترتیب پیش پرداخت هزینه (مانند پیش پرداخت اجاره) تحت عنوان دارایی ثبت می‌شود و سپس در زمان تحقق هزینه (سپری شدن زمان اجاره) به حساب هزینه منظور می‌شود. اتخاذ چنین رویه‌ای باعث می‌شود تا هزینه‌های یک دوره از درآمدهای همان دوره کسر شده و بنابراین محاسبه سود یک دوره مالی به صورت منطقی تری صورت پذیرد (ثابت، ۱۳۹۳).

تعریف عملیاتی: معیاری که دیجو و تانگ (۲۰۰۸) و شات (۲۰۱۱) برای تعیین درجه تطابق استفاده کردند، همبستگی بین درآمدها و هزینه‌های شرکتها برای یک بازه زمانی ۸ ساله بود که در این پژوهش نیز از این معیار استفاده شده است. برای اندازه‌گیری میزان همبستگی بین درآمدها و هزینه‌ها از رگرسیون زیر استفاده شده است:

مدل تطابق:

$$\Delta EXPENSE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 * \Delta REVENUE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

ضریب تعیین رابطه فوق، نشان دهنده میزان توضیح دهنده تغییرات هزینه‌ها به واسطه درآمدها است (که همان اصل تطابق مورد نظر در این پژوهش است) و برای تعیین میزان همبستگی بین درآمد و هزینه‌های هر سال شرکت، به هشت سال قبل برگشته و تغییرات درآمد و هزینه برای هر سال نسبت به هشت سال قبل محاسبه گردیده و سپس از ضریب تعیین تعدیل شده برای تعیین قدرت همبستگی بین تغییرات درآمدها و هزینه‌ها استفاده شده است.

Revenue = درآمدها که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$Rev = P * X$$

Expense = هزینه‌ها که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$EXP = C * X + F$$

P بیانگر قیمت فروش، X بیانگر حجم فروش، C نشان دهنده بهای تولید و f شامل هزینه‌های توزیع و فروش و هزینه‌های عمومی و اداری می‌باشد.

(ب) متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام

تعریف مفهومی: چنانچه مدیران بتوانند برای مدت زمان طولانی از افشای اخبار بد خودداری کنند، اخبار منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. از سوی دیگر حجم اخبار بدی که مدیران می‌توانند انباشته کنند، محدود است. علت این موضوع آن است که وقتی که حجم اخبار منفی انباشته به آستانه معینی می‌رسد، نگهداری و عدم افشای آن برای مدت زمان طولانی تر غیرممکن و پرهزینه خواهد شد. در نتیجه توده اخبار نامطلوب پس از رسیدن به نقطه اوج خود به یکباره وارد بازار شده و این موضوع به آفت شدید بازده سهام یا سقوط قیمت سهام منجر می‌شود (ایزدی نیا و دری سده، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش، برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام شرکتها از معیار چولگی منفی بازده سهام، استفاده شده است. در این خصوص، ابتدا با استفاده از رابطه زیر بازده ماهانه شرکت محاسبه می‌شود (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۰):

$$W_{j,t} = Ln(1 + \epsilon_{j,t})$$

$W_{j,t}$ = بازده ماهانه خاص شرکت j در ماه t طی سال مالی؛

ϵ_{ij} = بازده باقیمانده سهام شرکت j در ماه t و عبارت است از باقیمانده یا پسماند مدل در رابطه زیر:

$$R_{j,t} = \alpha_j + \beta_{1j}R_{m,t-1} + \beta_{2j}R_{m,t-2} + \beta_{3j}R_{m,t-1} + \beta_{4j}R_{m,t-1} + \beta_{5j}R_{m,t-2} + \epsilon_{j,t}$$

$R_{j,t}$ = بازده سهام شرکت j در ماه t طی سال مالی؛

$R_{m,t}$ = بازده بازار در ماه t است. برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده؛ و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود. سپس با استفاده از بازده ماهانه خاص شرکت، برای محاسبه چولگی منفی بازده سهام از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$NCSKEW_{j,t} = - \left(\frac{n(n-1)^{3/2} \sum w_{j,i}^3}{(n-1)(n-2) (\sum w_{j,i}^2)^{3/2}} \right)$$

$NCSKEW_{j,t}$ = چولگی منفی بازده ماهانه سهام شرکت j طی سال مالی t ،

$W_{j,t}$ = بازده ماهانه خاص شرکت j در ماه t

N = تعداد ماههایی که بازده آنها محاسبه شده است.

(د) متغیرهای کنترل:

اهرم مالی = تقسیم ارزش دفتری بدهیهای بلندمدت بر کل داراییها

اندازه شرکت = لگاریتم طبیعی کل داراییها

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: تقسیم ارزش بازار داراییها به ارزش دفتری داراییها

سن شرکت: تعداد سالها از تاریخ تأسیس شرکت

اندازه هیئت مدیره: تعداد اعضای هیئت مدیره

استقلال هیئت مدیره: تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضا
 نرخ بازده داراییها سال جاری: تقسیم سود خالص سال جاری به کل داراییهای سال جاری
 نرخ بازده داراییهای سال قبل: تقسیم سود خالص سال قبل به کل داراییهای سال قبل
 مالکیت مدیریتی: درصد سهام در دست مدیران اجرایی و اعضای هیئت مدیره شرکت
 مالکیت سهامداران عمده: درصد سهام در دست ۵ سهامدار اصلی شرکت
 مخارج سرمایه ای: آن دسته از مخارجی است که از تحمل آنها انتظار کسب منافع بلندمدت یا بیش از یک دوره مالی داریم. این مخارج سرمایه ای از صورت جریانهای نقدی به روش مستقیم به دست می آید و به وسیله خالص داراییهای ثابت در آغاز سال مالی موزون می شود (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۴).
 جریان نقدی عملیاتی: خالص جریان نقدی عملیاتی از صورت جریان وجوه نقد شرکت استخراج می گردد (خداحمی و همکاران، ۱۳۹۵).

8. تجزیه و تحلیل داده ها

8.1 - آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشدگی
ریسک سقوط قیمت سهام (CRASH)	۵۶۰	-۰/۲۵۴۹	۰/۱۶۷۲	-۰/۵۱۱۵	-۰/۱۰۹	-۳/۱۲۳	-۴/۸۹۰
میزان رعایت اصل تطابق در برآورد هزینه (EXP)	۵۶۰	۰/۴۲۶۵	۰/۲۴۱۱	۰/۱۶۵۸	۰/۷۱۵۱	۱/۶۶۶	۰/۵۵۳۱
نرخ بازده داراییهای سال قبل (ROAt)	۵۶۰	۰/۲۱۵۴	۰/۱۲۵۲	-۰/۱۴۳۷	۰/۶۲۳۵	۳/۰۰۳	۳/۲۱۲
اندازه شرکت (Size)	۵۶۰	۱۲/۱۲۱۸	۲/۰۵۳۶	۹/۵۱۰۷	۱۷/۲۹۶۵	۱/۰۰۲	۴/۲۱۱
اهرم مالی (Lev)	۵۶۰	۰/۲۹۵۶	۰/۰۴۱۹	۰/۰۹۳۱	۰/۴۸۷۹	۲/۵۹۳	۷/۱۷۷
ارزش بازار به ارزش دفتری (MB)	۵۶۰	۳/۵۵۶۰	۱/۱۳۰۴	۱/۳۳۱۶	۵/۶۴۸۲	۲/۳۳۷	۴/۱۷۲
نسبت جریانات نقدی عملیاتی (CF)	۵۶۰	۰/۳۰۰۹	۰/۱۸۶۹	۰/۰۸۶۸	۰/۶۶۱۴	۴/۳۷۶	۳/۲۱۹
استقلال هیئت مدیره (Ind.dir)	۵۶۰	۰/۲۵۰۰	۰/۴۷۱۲	۰/۲۰۰	۰/۴۰۰	۲/۹۱۵	۴/۵۱۰
نرخ بازده داراییهای سال جاری (ROAt-1)	۵۶۰	۰/۲۹۸۴	۰/۲۹۲۱	-۰/۲۷۴۳	۰/۵۲۱۶	۴/۳۲۶	۱/۷۱۱
مخارج سرمایه ای (CAPX)	۵۶۰	۰/۷۲۱۴	۰/۴۲۶۵	۰/۳۶۵۲	۰/۹۱۴۳	۲/۱۰۹	۴/۹۳۲
مالکیت مدیریتی (MO)	۵۶۰	۰/۲۹۷۶	۰/۲۱۷۵	۰	۱	۱/۷۲۳	۳/۵۷۶
اندازه هیئت مدیره (B-Size)	۵۶۰	۴/۵۸۷۶	۱/۷۳۴۳	۳	۷	۲/۷۲۳	۵/۵۷۶
سن شرکت (AGE)	۵۶۰	۳۸/۲۹۵۸	۶/۱۲۵۹	۹	۶۶	-۰/۸۹۳۲	۱/۱۸۸۳
درصد سهامداران عمده (LSH)	۵۶۰	۰/۵۶۲۱	۰/۹۲۱۵	۰/۱۹۴۳	۱	۳/۹۲۱۳	۵/۱۶۵۴

با توجه به جدول میانگین ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۲۵۴۹- بوده و بیشترین و کمترین مقدار آن به ترتیب برابر با ۰/۰۱۰۹- و ۰/۵۱۵۹- می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست. با توجه به جدول ۲، آمار توصیفی متغیرهای تحقیق؛ بالاترین میانگین مربوط به متغیر سن شرکت و کمترین میانگین مربوط به متغیر نرخ بازده داراییهای سال قبل می‌باشد. بالاترین انحراف معیار مربوط به متغیر سن شرکت و کمترین انحراف معیار مربوط به متغیر اهرم مالی می‌باشد.

8.2- آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

جدول ۳: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
ریسک سقوط قیمت سهام	۵۶۰	۱/۹۵۴	۰/۳۲۱

با توجه به این که برای متغیر ریسک سقوط قیمت سهام، سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که متغیر ریسک سقوط قیمت سهام از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشد.

نرمال بودن متغیر وابسته، شرط لازم برای مدل‌های رگرسیون است، بنابراین لازم است قبل از آزمون فرضیه‌ها این متغیر نرمال سازی شود. در این پژوهش برای نرمال سازی داده‌ها از تابع انتقال جانسون^۱ بهره گرفته شده و توسط نرم افزار ۱۶ Minitab مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S بعد از فرآیند نرمال سازی داده‌ها به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
ریسک سقوط قیمت سهام	۵۶۰	۱/۵۹۴	۰/۳۲۱

با توجه به جدول از آن جایی که بعد از نرمال سازی داده‌ها سطح اهمیت (Sig) آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۳۲۱)، بنابراین فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر ریسک سقوط قیمت سهام بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می‌باشد.

8.3- بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

¹ -Johnson Transformation

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون

LSH	AGE	B-Size	MO	CAPX	ROAt-1	Ind. Dir	CF	MB	Lev	Size	ROAt	EXP	C R A S H	متغیر
۰/۴۱۴ Sig(.008)	۰/۱۹۳ Sig(.099)	۰/۲۶۵ Sig(.184)	۰/۱۸۸ Sig(.000)	۰/۱۸۷ Sig(.091)	۰/۴۲۵ Sig(.000)	۰/۱۶۵ Sig(.112)	۰/۲۹۱ Sig(.107)	۰/۱۸۸ Sig(.002)	۰/۳۳۶ Sig(.000)	۰/۴۸۹ Sig(.021)	۰/۳۸۵ Sig(.001)	۰/۱۷۶ Sig(.004)	۱	CRAS H
۰/۸۲۶ Sig(.143)	۰/۴۴۷ Sig(.109)	۰/۱۹۴ Sig(.225)	۰/۵۹۵ Sig(.055)	۰/۳۹۴ Sig(.243)	۰/۴۱۱ Sig(.164)	۰/۴۶۶ Sig(.240)	۰/۱۶۴ Sig(.083)	۰/۳۳۲ Sig(.199)	۰/۰۱۲ Sig(.098)	۰/۴۱۰ Sig(.338)	۰/۲۳۸ Sig(.563)	۱		EXP
۰/۳۶۵ Sig(.055)	۰/۱۱۸ Sig(.084)	۰/۶۳۴ Sig(.114)	۰/۴۸۶ Sig(.233)	۰/۴۲۱ Sig(.066)	۰/۱۹۴ Sig(.102)	۰/۲۱۶ Sig(.099)	۰/۰۰۳ Sig(.075)	۰/۱۱۷ Sig(.115)	۰/۴۲۸ Sig(.153)	۰/۵۸۳ Sig(.225)	۱			ROAt
۰/۶۰۹ Sig(.210)	۰/۴۱۳ Sig(.352)	۰/۲۱۵ Sig(.075)	۰/۱۷۷ Sig(.331)	۰/۴۲۹ Sig(.254)	۰/۵۹۲ Sig(.193)	۰/۱۱۲ Sig(.125)	۰/۳۱۹ Sig(.216)	۰/۴۷۸ Sig(.173)	۰/۲۳۸ Sig(.063)	۱				Size
۰/۱۶۰ Sig(.114)	۰/۱۰۹ Sig(.116)	۰/۷۴۷ Sig(.127)	۰/۳۳۷ Sig(.058)	۰/۱۴۲ Sig(.099)	۰/۰۹۹ Sig(.137)	۰/۲۸۷ Sig(.255)	۰/۰۱۱ Sig(.092)	۰/۵۱۱ Sig(.229)	۱					Lev
۰/۲۹۹ Sig(.211)	۰/۴۶۲ Sig(.073)	۰/۳۲۰ Sig(.051)	۰/۲۵۳ Sig(.111)	۰/۱۲۹ Sig(.072)	۰/۳۰۰ Sig(.069)	۰/۴۷۶ Sig(.188)	۰/۲۴۰ Sig(.095)	۱						MB
۰/۵۷۷ Sig(.077)	۰/۵۸۲ Sig(.193)	۰/۱۹۸ Sig(.244)	۰/۱۴۹ Sig(.063)	۰/۱۵۳ Sig(.088)	۰/۲۷۴ Sig(.172)	۰/۲۹۹ Sig(.154)	۱							CF
۰/۴۰۸ Sig(.093)	۰/۱۵۴ Sig(.088)	۰/۳۴۰ Sig(.127)	۰/۱۰۲ Sig(.059)	۰/۲۱۴ Sig(.265)	۰/۳۶۳ Sig(.132)	۱								Ind .dir
۰/۵۲۳ Sig(.149)	۰/۴۳۶ Sig(.127)	۰/۱۵۴ Sig(.216)	۰/۵۱۲ Sig(.085)	۰/۴۶۴ Sig(.102)	۱									ROAt -1
۰/۷۲۱ Sig(.065)	۰/۴۹۸ Sig(.104)	۰/۸۲۱ Sig(.143)	۰/۴۰۴ Sig(.064)	۱										CAP X
۰/۲۳۱ Sig(.088)	۰/۱۹۸ Sig(.102)	۰/۴۲۶ Sig(.193)	۱											MO
۰/۴۹۸ Sig(.213)	۰/۵۵۳ Sig(.215)	۱												B-Size
۰/۵۵۵ Sig(.154)	۱													AGE
۱														LSH

8.4- بررسی هم خطی میان متغیرهای تحقیق

جدول ۶: آزمون هم خطی

متغیرها	مقدار ویژه	شاخص وضعیت
میزان رعایت اصل تطابق در برآورد هزینه	۲,۱۲۱	۶,۳۷۶
نرخ بازده داراییهای سال قبل	۲,۱۰۹	۶,۹۱۲
اندازه شرکت	۲,۲۱۴	۷,۴۲۱
اهرم مالی	۲,۶۵۸	۸,۱۰۹
ارزش بازار به ارزش دفتری	۲,۷۸۹	۹,۱۲۵
نسبت جریانات نقدی عملیاتی	۲,۹۲۸	۹,۲۸۴
استقلال هیئت مدیره	۳,۱۲۷	۹,۸۳۵
نرخ بازده داراییهای سال جاری	۳,۳۸۴	۱۰,۰۰۳
مخارج سرمایه ای	۳,۸۱۴	۱۰,۴۱۷
مالکیت مدیریتی	۳,۹۷۱	۱۰,۷۷۶
اندازه هیئت مدیره	۴,۲۱۶	۱۱,۱۵۴
سن شرکت	۴,۷۱۷	۱۱,۸۲۱
درصد سهامداران عمده	۵,۲۰۹	۱۱,۸۹۷

همان گونه که مشاهده می‌نمایید؛ مقادیر ویژه نزدیک به صفر همبستگی داخلی پیش بینی‌ها زیاد است و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها، منجر به تغییرات بزرگ در برآورد ضریب معادله رگرسیون منجر می‌شود. مقادیر ویژه نشان‌دهنده‌ی احتمال همبستگی داخلی بین متغیرها می‌باشد.

شاخص وضعیت با بیشتر از ۱۵ نشان‌دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترل است و مقادیر بیش از ۳۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود می‌باشد (حساس یگانه و دیگران، ۱۳۸۸). از طرفی تمامی شاخص‌های وضعیت کوچکتر از ۱۵ می‌باشند که نشان‌دهنده‌ی عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترل است.

8.5- سایر مفروضات کلاسیک رگرسیون چندگانه

جدول ۷: نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
<i>P-Value</i>	<i>F</i>	<i>D</i>	<i>P-Value</i>	<i>F</i>	<i>P-Value</i>	χ^2	
۰/۶۲۳۸	۳/۴۷۲۲	۲/۴۲۱	۰/۰۳۰۲	۱/۰۸۴۵	۰/۳۴۱۲	۱/۳۴۳۵	

8.6- نتایج آزمون چاو و هاسمن

جدول ۸: نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۵۶۰	F	۳/۰۹۳۲	۱۲	۰/۰۲۸۴
هاسمن	۵۶۰	χ^2	۳/۰۷۰۵	۱۲	۰/۰۳۹۴

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن؛ فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود. با توجه به نتایج حاصل از آزمون های چاو و هاسمن و نتایج آزمون مغروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل پژوهش با استفاده از روش داده های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می شود.

8.7- آزمون فرضیه های پژوهش

این پژوهش دارای یک فرضیه اصلی می باشد که در زیر به آزمون این فرضیه پرداخته شده است.

8.7.1- آزمون فرضیه های اصلی پژوهش

در این پژوهش فرضیه اصلی تحقیق به بررسی تأثیر رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد.

H_0 = رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد. $H_0: \beta = 0$

H_1 = رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. $H_1: \beta \neq 0$

نتیجه حاصل از رگرسیون آن در جدول ارائه شده است:

جدول ۹: نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره فرضیه پژوهش

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیر وابسته	Y	ریسک سقوط قیمت سهام	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	-۱/۷۴۴	-۲/۶۴۸	۰/۰۲۵
متغیر مستقل	X1	رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه ها	-۰/۴۴۰*	-۲/۷۸۸	۰/۰۰۱
		نرخ بازده داراییهای سال قبل	-۰/۶۲۷*	-۲/۹۹۵	۰/۰۰۰
		اندازه شرکت	-۰/۷۲۳*	-۲/۹۰۴	۰/۰۰۰
		اهرم مالی	۰/۵۸۷*	۲/۸۵۴	۰/۰۰۹
متغیرهای کنترل		ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۲۶۵*	-۴/۷۹۵	۰/۰۰۰

۰/۱۷۸	۱/۵۷۹	۰/۱۷۳	نسبت جریانات نقدی عملیاتی	
۰/۲۶۵	۱/۳۷۱	۰/۴۹۰	استقلال هیئت مدیره	
۰/۰۰۰	-۳/۵۲۹	-۰/۱۳۶*	نرخ بازده داراییهای سال جاری	
۰/۱۲۵	۱/۶۴۳	۰/۳۱۱	مخارج سرمایه ای	
۰/۰۰۰	۳/۵۲۹	۰/۴۲۷*	مالکیت مدیریتی	
۰/۳۱۸	۱/۱۵۶	۰/۱۹۶	اندازه هیئت مدیره	
۰/۲۱۳	۱/۴۳۴	۰/۲۵۵	سن شرکت	
۰/۰۰۰	-۴/۵۴۶	-۰/۵۹۵*	درصد سهامداران عمده	
-	-	۲/۴۲۱	دوربین واتسون	
۰/۰۰۰	-	۱۳/۷۴۲	آماره F	
-	-	۰/۴۷۶	ضریب تعیین	R Square
-	-	۰/۴۷۵	ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R Square

*: سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۵ می‌باشد.

همان گونه که این جدول نشان می‌دهد، از آنجایی که سطح معناداری متغیرهای رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها، نرخ بازده داراییهای سال قبل، اندازه شرکت، اهرم مالی، ارزش بازار به ارزش دفتری، نرخ بازده داراییهای سال جاری، مالکیت مدیریتی و درصد سهامداران عمده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ این متغیرها بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارند.

متغیرهای رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها، نرخ بازده داراییهای سال قبل، اندازه شرکت، ارزش بازار به ارزش دفتری، نرخ بازده داراییهای سال جاری، مالکیت مدیریتی و درصد سهامداران عمده تأثیر معکوس و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و متغیر اهرم مالی تأثیر مستقیم و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. نسبت جریانات نقدی عملیاتی، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، سن شرکت و نسبت مخارج سرمایه ای بر ریسک سقوط قیمت سهام هیچ تأثیری ندارند.

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است بدین معنا که ارتباط منطقی بین متغیرها وجود دارد و رگرسیون کاذب نمی‌باشد. با توجه به ضریب تعیین، این متغیرها ۴۷/۶ درصد از تغییرات ریسک سقوط قیمت سهام را توضیح می‌دهند. همچنین آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین جملات خطا (باقیمانده) در معادلات رگرسیون مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

منفی بودن ضریب متغیر رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها (-۰/۴۴۰) حاکی از تأثیر معکوس رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت می‌باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی میزان رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها، ریسک سقوط قیمت سهام به میزان ۰/۴۴۰ واحد کاهش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه اصلی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌ها بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد.

8.7.2- نتایج آزمون مربوط به متغیرهای کنترلی

در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضرایب متغیرهای نرخ بازده داراییهای سال قبل، اندازه شرکت، اهرم مالی، ارزش بازار به ارزش دفتری، نرخ بازده داراییهای سال جاری، مالکیت مدیریتی و درصد سهامداران عمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ در نتیجه تأثیر این متغیرها بر ریسک سقوط قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

منفی بودن ضریب متغیرهای نرخ بازده داراییهای سال قبل، اندازه شرکت، ارزش بازار به ارزش دفتری، نرخ بازده داراییهای سال جاری، مالکیت مدیریتی و درصد سهامداران عمده حاکی از تأثیر معکوس این متغیرها بر ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد؛ و مثبت بودن ضریب متغیر اهرم مالی؛ حاکی از تأثیر مستقیم اهرم مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد. متغیرهای نسبت جریان نقدی عملیاتی، استقلال هیئت مدیره، نسبت مخارج سرمایه‌ای، سن شرکت و اندازه هیئت مدیره بر ریسک سقوط قیمت سهام هیچ تأثیر معناداری ندارند.

9. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش بررسی می‌کند که آیا الگوهای تشخیص هزینه بر ریسک سقوط قیمت سهام در آینده تأثیر می‌گذارد یا خیر. هسته اصلی اطلاعات مالی شرکت را صورت‌های مالی تشکیل می‌دهند. در بین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، رقم سود خالص برای سرمایه‌گذاران بسیار حائز اهمیت بوده و اغلب این چنین استدلال می‌شود که سود با اهمیت‌ترین معیار اندازه‌گیری عملکرد شرکت است که در بازارهای مالی در دسترس و به وسیله اصل تطابق تحت تأثیر قرار گرفته است. این اصل یک مفهوم مهم در استانداردهای گزارشگری مالی در چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، بین الملل و استانداردهای حسابداری ایران است و بر معیار عملکرد که سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی سود خود در مورد حاشیه رشد آتی، جریان‌های نقد آتی و سود بکار می‌گیرند، اثرگذار است (ژو، ۲۰۱۶).

بسیاری از مطالعات، توضیح برجسته‌ای برای ریسک سقوط سهام شرکت پیشنهاد کرده‌اند؛ مدیران انگیزه دارند تا از انتشار اخبار بد برای سرمایه‌گذاران جلوگیری کنند. زمانی که این اخبار به سطح مشخصی از تجمع رسیده به یکباره در بازار منتشر می‌شود و ریسک سقوط قیمت سهام رخ می‌دهد. تعریف سقوط قیمت سهام دارای سه ویژگی مشخص است: ۱. سقوط قیمت سهام، یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ می‌دهد؛ ۲. این تغییرات بسیار بزرگ به صورت منفی هستند؛ ۳. سقوط قیمت سهام، یک پدیده واگیردار در سطح بازار است. بدین معنی که کاهش قیمت سهام تنها به یک سهام خاص منحصر نمی‌شود، بلکه تمام انواع سهام موجود در بازار را شامل می‌شود (پیک، ۲۰۱۹).

یافته‌های مهم این پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

براساس نتایج فرضیه اصلی پژوهش میزان رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معکوس و معناداری دارد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هر چه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها بیشتر باشد، نوسان بازده و خطای پیش‌بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود، به عبارت دیگر در صورت وجود تطابق قوی بین درآمدها و هزینه‌ها، عدم اطمینان نسبت به اطلاعات و ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد.

تطابق قوی موجب شناسایی صریح و پیش‌بینی دقیق سود و نیز بهبود در تصمیم‌گیری و کاهش در سوگیری‌های رفتاری سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان واحد تجاری می‌شود. هر چه تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها قوی‌تر باشد، خطای پیش‌بینی سود هر سهم کمتر خواهد بود. بنابراین انتظار داریم شرکت‌هایی که اصل تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها را به صورت قوی‌تری اعمال می‌نمایند، خطای پیش‌بینی سود هر سهم کمتری داشته و عدم اطمینان اطلاعاتی در مورد این شرکت‌ها کاهش یابد. با رعایت اصل تطابق کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و از دیدگاه تئوریک نیز منطقی به نظر می‌رسد که تطابق مخارج یک دوره و درآمدهای همان دوره باعث ارزش آفرینی و شفافیت و نهایتاً بالا رفتن کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. افزایش کیفیت گزارشگری مالی موجب افزایش اعتماد فعالان بازار سرمایه به شرکت گشته و ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد.

نتایج این بخش با تحقیقات پیک (۲۰۱۹)، کیم و همکاران (۲۰۱۷)، کاظمی و طریقی (۱۳۹۶)، بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۵)، کرمی و قربان زاده (۱۳۹۰) مطابقت دارد و تحقیقی که با نتایج این پژوهش همراستا نباشد یافت نشد.

10. پیشنهادهای کاربردی تحقیق

براساس نتایج فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر معکوس و معنادار رعایت اصل تطابق در شناخت هزینه‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام؛ به استفاده کنندگان صورت‌های مالی توصیه می‌شود رعایت اصل تطابق را به عنوان یک پیش‌شرط کیفیت اطلاعات مالی در نظر بگیرند. به مدیران و سازمان بورس اوراق بهادار هم توصیه می‌شود رعایت اصل تطابق را به صورت دقیق مورد توجه قرار دهند چرا که اصل تطابق موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد.

11. منابع:

- [1] احمدپور، احمد؛ زارع بهنمیری، محمدجواد؛ حیدری رستمی، کرامت‌الله؛ (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال هفتم، زمستان، شماره ۲۸.
- [2] اسدی غلامحسین و کاظمی کاظم (۱۳۹۸). "بررسی رابطه ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از معیار چولگی منفی بازده سهام و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". چشم انداز مدیریت مالی سال هشتم شماره ۲۲.
- [3] اعتمادی، حسین؛ عبدلی، لیلیا (۱۳۹۴). "هموارسازی سود و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی". فصلنامه حسابداری مالی شماره ۷: صص. ۳۸-۱.
- [4] ایزدی نیا، امیر. دری سده، ابراهیم (۱۳۹۳). "بررسی محتوای اطلاعاتی جزء غیر عملیاتی سود حسابداری در رابطه با پیش بینی سود و ارزش گذاری قیمت سهام". مجله حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم شماره ۴۱.
- [5] باداور نهندی، یونس؛ شریف زاده، غفور؛ خجسته، هیوا؛ (۱۳۹۵). "مقایسه اثر رعایت اصل تطابق بر کیفیت گزارشگری مالی در بین شرکتهای سالم، درمانده و ورشکسته مالی". فصلنامه حسابداری مالی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص. ۵۴-۲۷.
- [6] برادران حسن زاده، رسول؛ باداور نهندی، یونس (۱۳۸۸). "ارزیابی کیفیت سودآوری شرکتهای (مورد صنایع شیمیایی و دارویی)". فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۸، صص. ۱۴۴-۱۵۸.
- [7] ثابت، حسین (۱۳۹۳). "عوامل مؤثر بر سوگیری مدیران در پیش بینی قیمت سهام". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- [8] ثقفی، علی؛ بولو، قاسم؛ محمدیان، محمد؛ (۱۳۹۰). "کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه گذاری بیش از حد و قیمت سهام". مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ی سوم، شماره ی ۲، صص ۳۷-۶۳.
- [9] جنت رستمی، محسن (۱۳۸۶). "بررسی نقش و قابلیت سود در پیش بینی سود و جریان های نقدی آتی سرمایه گذاری در سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۳.
- [10] حاجی پور، میثم (۱۳۸۸). "تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود (P/E)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.
- [11] حقیقت، حمید و مهدی معتمد (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین نوسان پذیری و قابلیت پیش بینی سود". پیشرفت های حسابداری، سال سوم، شماره ۲، صص. ۸۷-۶۵.
- [12] خالقی مقدم، حمید و بهرامیان، حسین (۱۳۸۷). "بررسی میزان صحت پیش بینی قیمت سهام شرکت ها در عرضه اولیه". بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶.
- [13] خدارحمی، بهروز. فروغ نژاد، حیدر. شریفی، محمدجواد. طالبی، علیرضا. (۱۳۹۵). "تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مدیریت دارایی و تامین مالی. مقاله ۴، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحه ۵۸-۳۹.
- [14] خواجوی، شکراله؛ قدریان آرانی، محمد حسین (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صورتهای مالی"، پیشرفت های حسابداری، بهار و تابستان، دوره هفتم، صص. ۸۴-۵۹.
- [15] دارابی، رؤیا؛ چناری بوکت، حسن؛ محمودی، مرجان؛ (۱۳۹۵). "تأثیر تخصص در صنعت، دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرس بر ریزش قیمت سهام"، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، دوره هشتم، شماره ۱۸، صص ۳۱۲-۲۳۶.
- [16] دستگیر، محسن. نهندی، یونس. زارعی، مصطفی (۱۳۹۸). "اثر پنج عامل اندازه شرکت، درجه ی بحران مالی، نرخ رشد، تأمین مالی برون سازمانی و کنترل قیمت‌ها بر پیش بینی های سود مدیریت". مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۷۱، صص ۱۰۳-۱۳۲.
- [17] دیبانتی دیلمی، زهرا؛ مرادزاده، مهدی؛ محمودی، سعید؛ (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر سرمایه گذاران نهادی بر کاهش ریسک سقوط (ریزش) ارزش سهام"، دانش سرمایه گذاری، سال اول، شماره ۲، صص. ۱۸-۱.

[18] فروغی، داریوش. قاسم زاد، پیمان. (۱۳۹۴). "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام." مقاله پژوهشی دانش حسابداری مالی، مقاله ۳، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۵۵-۷۱.

[19] فروغی، داریوش. ساکبانی، امین. (۱۳۹۴). "تأثیر سررسید بدهی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام"، فصلنامه پژوهش حسابداری. مقاله ۶، دوره ۵، شماره ۴، صفحه ۹۹-۱۱۶.

[20] فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر، (۱۳۹۳). "تأثیر محافظه کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۲: ۷۷-۱۱۷.

[21] فضل الهی دهکردی، زهرا؛ احمدی، فرشید؛ (۱۳۹۷). "ریسک سقوط قیمت سهام و اثر آن بر رقابت بازار محصول"، فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳، صص. ۷۱-۸۵.

[22] فندرسکی، علی؛ صفری گرایلی، مهدی؛ (۱۳۹۷). "اثر بخشی کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، مقاله ۸، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تابستان، صفحه ۱۶۹-۱۸۶.

[23] فولاد، فرزانه؛ تالانه، عبدالرضا؛ (۱۳۹۳). "محافظه کاری و کاهش خطر سقوط قیمت سهام"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۳۶، شماره ۱، صص ۳۳۲-۶۶.

[24] قائمی، محمدحسین؛ ودیعی، محمدحسین، و حاجی پور، میثم (۱۳۹۴). "تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود"، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۲، صص ۷۳-۵۵.

[25] کاظمی حسین و طریقی مصطفی (۱۳۹۶). "رابطه تطابق درآمد و هزینه با نوسان پذیری و پایداری سود". مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۲۹، صفحه ۱۷۰-۱۵۵.

[26] کرمی، غلامرضا و حامد عمرانی (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت و محافظه کاری بر قیمت سهام شرکت". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۹، صص ۷۹ تا ۹۶.

[27] کرمی، غلامرضا؛ قربانزاده، علیرضا (۱۳۹۰). "تأثیر اصل تطابق بر عدم اطمینان اطلاعاتی"، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۲، صص. ۶-۱۱.

[28] لشگری، زهرا؛ (۱۳۹۳). "تأثیر محافظه کاری بر خطر سقوط ارزش سهام"، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران مرکز واحداالکترونیکی تهران.

[29] مرادی جواد، ولی پور هاشم، قلمی مرجان (۱۳۹۰). "تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام". حسابداری مدیریت، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۱۱؛ از صفحه ۹۳ تا صفحه ۱۰۶.

[30] مشایخی، بیتا؛ جلالی، فرزانه (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط میان رعایت اصل تطابق و ویژگیهای سود". فصلنامه حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۴۱، صص. ۱۳۱-۱۰۵.

[31] مشکئی، مهدی؛ فتاحی، رضا. (۱۳۹۰). "تأثیر محافظه کاری حسابداری بر ریسک کاهش قیمت سهام"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۶: ۱۱۹-۱۳۶.

[32] مهرانی، کاوه، حلاج، محمد، و حسینی، عباس (۱۳۹۴). "بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری، شماره ۳، صص ۱۰۷-۸۸.

[33] Alsevir L. (2015). "Meeting Analyst Forecasts and Stock Returns" Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1507962>.

[34] Anderson M.C., Banker R.D. and Janakiraman S.N. (2015). Are selling, general, and administrative costs "sticky"? Journal of Accounting Research, Vol. 41, No. 1, pp. 47-63.

[35] Callen, J., and X. Fang. 2017. Religion and stock price crash. Journal of Financial and Quantitative Analysis 50 (1/2): 169-195.

[36] Chen K., Hou J. (2015). "Investigating the impact of institutional investors on reducing the risk of falling stock prices on the Beijing Stock Exchange: The influence of legal and political institutions". Journal of Accounting and Economics, 42(1/2), 107-148.

[37] Daividson A., Billings B., Morton R. and Stanford-Harris M. (2015). "The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-shareholder Conflicts Over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs". The Accounting Review, 77: 867-890.

- [38] DeFond, M., M., Hung, S. Li, and Y. Li. 2018. "Does mandatory IFRS adoption affect crash risk"? *The Accounting Review* 90 (1): 265-299.
- [39] Garcia Lara .Bagla ,J, Vander Bauwhede, H. (2015). "The impact of conservatism on the cost of debt: Conditional versus unconditional conservatism". Working paper, Katholieke Universiteit, Leuven.
- [40] Hung , X. (2014). "The effects of contracting, litigation, regulation, and Tax costs on conditional and unconditional conservatism: Crosssectional evidence at the firm level". *The Accounting Review*, 82(3), 759–796.
- [41] Jaggi , b. "The accuracy of Forecast information disclosed in the IPO prospectus of Honk Kong companies" *The international Journal of Accounting* (2016); 132 (3): 301-319.
- [42] Katch, j,(2016) . "Further Evidence on the Accuracy of Management Forecasts vis-à-vis Analysts Conservatism" ,*The Accounting Review*; 55(1): 96-101.
- [43] Kim, J.B., and Zhang, Ricardo. 2016. "Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence". *Contemporary Accounting Research* 33 (1): 412–441.
- [44] Kim, J.B., L. Li, L. Lu, and Y. Yu. 2017." Financial statement comparability and expected crash risk". *Journal of Accounting and Economics* 61 (2-3): 294-312.
- [45] Kim, J.B., Z. Wang, and L. Zhang. 2016. "CEO overconfidence and stock price crash risk". *Contemporary Accounting Research* 33 (4): 1720-1749.
- [46] Kim, Y., H. Li, and S. Li. 2014." Corporate social responsibility and stock price crash risk". *Journal of Banking & Finance* 43: 1–13.
- [47] Kim, JEONG-BON. Zhang, LIANDONG (2016)". Accounting Conservatism and Stock Price Crash Risk: Firm-level Evidence." *Contemporary Accounting Research*, forthcoming; 132 (3): 301-319.
- [48] Kowang, M. (2015). "Big auditors, private firms and accounting conservatism: Spanish evidence". *European Accounting Review*, 19(1), 131–159.
- [49] Larrous Key. (2016). "The accuracy of Forecast information disclosed in the IPO prospectus of Honk Kong companies". *The international Journal of Accounting*; 132 (3): 301-319.
- [50] Lee, Pae (2014). "Accounting Conservatism an Inefficiency in Analysts' Earnings Forecasts "Queen's University, School of Business, Kingston, Canada, June
- [51] Lem, M. & Lehman, T. (2016)." Investigating the Effect of Professional Experience of Investment Managers on Risk-Risk As well as Overconfidence and Mass-Behavior, *Management Science*. 35(7), 807-822.
- [52] PAEK, WONSUN (2019). "The Effect of Expense Recognition On Future Stock Price Crash Risk", *SSRN Electronic Journal*, DOI: 10.2139/ssrn.3352211

investigate the effect of the company's cost recognition pattern on compliance with the principle of compliance on the risk of falling stock prices

mina heydari ramsheh¹

ali rohy²

Abstract :

The main purpose of the study is to investigate the effect of the company's cost recognition pattern on compliance with the principle of compliance with the risk of falling stock prices in companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 1393 to 1397 ". In this regard, the risk of falling stock prices as a dependent variable and amount Observance of the principle of conformity in recognizing costs as an independent variable. The statistical sample of the research includes 112 companies that have been obtained by systematic removal from the statistical population. The research method is descriptive-correlation with applied approach. The method of collecting information in the theoretical foundations section is from the library method and in the hypothesis testing section is from the financial document documenting method. The statistical method used in this study is multiple correlation and regression method.

The results of the research hypothesis test showed that adherence to the principle of compliance in the cost recognition has a significant and inverse effect on stock price risk, which means that whatever costs are recorded in the period in which they occur, regardless of the time of payment; It reduces the costs of a period of income from that period, and therefore calculates the profit of a financial period more logically; the risk of falling stock prices is reduced.

Keywords: Adaptation principle, stock price risk, cost recognition pattern.

MA of Accounting , Islamic Azad University,Central Tehran Branch, Tehran, Iran.(Corresponding Author)¹

Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University,Central Tehran Branch, Tehran, Iran.²